پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۰، بهار و تابستان ۱۴۰۴
صص ۱۷۷ـ۱۹۹ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini
No. 50, Spring & Summer 2025

هم‌گرایی و واگرایی خوف و طمأنینه در مواجهه با ذکر الهی

رضا ملازاده یامچی[۱]، میثم شعیب[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴)

چکیده

این پژوهش به بررسی چگونگی جمع میان دو حالت قلبی وجل (ترس) در آیه ۲ سوره انفال و طمأنینه (آرامش) در آیه ۲۸ سوره رعد، که هر دو به مؤمنان در مواجهه با ذکر الهی نسبت داده شده‌اند، از منظر مفسران می‌پردازد.با تحلیل دیدگاه‌های تفسیری، مشخص شد که وجل به معنای خوف و فزع ناشی از عظمت الهی، ترس از عقاب یا خوف از تقصیر است و نشانه‌ی کمال ایمان شمرده می‌شود.در مقابل، طمأنینه به معنای سکون و آرامش قلبی است که از یاد رحمت و ثواب الهی، یقین به توحید و تدبر در قرآن حاصل می‌گردد. مفسران بر عدم تنافی ذاتی میان این دو حالت تأکید ورزیده و آن را ناشی از تفاوت در نوع ذکر (جلال/جمال، عقاب/رحمت)، مراتب سلوک (وجل مقدمه طمأنینه) یا حالات درونی مؤمن (خوف از گناه/امید به فضل) دانسته‌اند؛ امری که در آیه ۲۳ سوره زمر(تقشعر جلود و لین قلوب) نیز منعکس شده است. در مقابل، قلوب غیرمؤمنان از این حالات بی‌بهره و ناآرام است و ذکر الهی بر آنان اثری ندارد یا موجب انزجار می‌شود؛ چرا که اطمینانشان به غیر خدا، ریشه‌ی اضطراب و شقاوت آنان است. هم‌گرایی خوف و طمأنینه، نشانه‌ی پویایی ایمان و راهنمای مؤمن در مسیر کمال معنوی است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، وجل، طمأنینه، ذکر الله، قلب مؤمن.

۱. پژوهشگر پسا دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛
reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir
۲. فارغ‌التحصیل دکتری، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛
m.shoaib68@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۱. بیان مساله

قرآن کریم در توصیف حالات قلبی مؤمنان هنگام یاد خدا، به دو وضعیت به‌ظاهر متفاوت اشاره می‌کند. در آیه‌ای، ویژگی مؤمنان راستین، «وجل» و ترس دل‌هایشان هنگام ذکر الهی معرفی شده است (الانفال، ۲). در مقابل، آیه‌ای دیگر «طمأنینه» و آرامش قلوب را ثمره‌ی انحصاری یاد خدا می‌داند (الرعد، ۲۸). این دوگانگی ظاهری، مسئله‌ی اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد.

در این مقاله، اصطلاحات کلیدی همچون خوف (وجل) که به معنای ترس ناشی از درک عظمت و جلال الهی یا بیم از عقاب و تقصیر است، و طمأنینه که به معنای سکون و آرامش قلبی حاصل از یاد رحمت و فضل خداوند است، بررسی می‌شوند. محور اصلی پژوهش، پرداختن به جنبه‌ی مبهم این رابطه در قالب پرسش‌های زیر است:

چگونه ممکن است یک عامل واحد (ذکر الله) به دو تأثیر متضاد (ترس و آرامش) در قلب مؤمن منجر شود؟

رابطه‌ی میان این دو حالت قلبی چیست؟ آیا «وجل» و «طمأنینه» در یک هم‌گرایی دائمی هستند یا دچار واگرایی می‌شوند؟

از منظر مفسران قرآن، این هم‌گرایی و واگرایی چگونه تبیین شده و آیا این دو حالت قابل جمع هستند؟

این تحقیق در پی آن است تا با تحلیل دیدگاه‌های تفسیری، پاسخی جامع برای این پرسش‌ها ارائه دهد.

۲. مقدمه

قلب در فرهنگ قرآنی، کانون اصلی ایمان و محل تجلی حالات معنوی گوناگون است. قرآن کریم با دقتی ویژه، به توصیف واکنش‌های پیچیده‌ی قلبی مؤمنان در برابر ذکر الهی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

پرداخته و تصویری پویا از رابطه‌ی انسان با پروردگار ترسیم می‌کند. پیش از ورود به تحلیل مباحث اصلی این پژوهش، یعنی هم‌گرایی و واگرایی خوف و طمأنینه، ذکر چند نکته‌ی مقدماتی برای روشن شدن ابعاد بحث ضروری به نظر می‌رسد.

این پژوهش پس از بیان مسئله اصلی، در مقدمه‌ی پیش‌رو به تبیین ابعاد مختلف موضوع می‌پردازد. در ابتدا، اهمیت و ضرورت پرداختن به این بحث دقیق قرآنی روشن می‌گردد. سپس، نگاهی به پیشینه‌ی تحقیق و تلاش‌های تفسیری صورت‌گرفته در این زمینه انداخته می‌شود و در پایان، مفاهیم و اصطلاحات کلیدی پژوهش تعریف و تحدید می‌گردد تا زمینه‌ی ورود به بدنه اصلی تحقیق فراهم آید.

۲-۱. اهمیت و ضرورت

قرآن کریم در آیاتی چند به توصیف حالات قلبی مؤمنان در پیوند با یاد و ذکر الهی پرداخته است.از جمله این توصیفات، آیه‌ی دوم سوره‌ی انفال است که مؤمنان را این‌گونه معرفی می‌کند: «إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَت قُلُوبُهُم وَإِذَا تُلِيَت عَلَيهِم ءَايَتُهُۥ زَادَتهُم إِيمَنا وَعَلَى رَبِّهِم يَتَوَكَّلُونَ» (مؤمنان، فقط کسانی هستند که چون یاد خدا شود، دل‌هایشان ترسان می شود، و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان می‌افزاید، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند) (الانفال، ۲). در مقابل، آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی رعد، آرامش قلبی با ذکر الهی را از صفات مؤمنان برمی‌شمارد: «ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكرِ ٱللَّهِ تَطمَئِنُّ ٱلقُلُوبُ» (بازگشتگان به سوی خدا کسانی هستند که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید! دل ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد) (الرعد، ۲۸). ظاهر این دو آیه، به دلیل نسبت دادن دو حالت به‌ظاهر متضاد خوف (وجل) و طمأنینه (آرامش) به قلب مؤمن در مواجهه با ذکر الهی، پرسشی بنیادین را در ذهن مفسر و قرآن‌پژوه ایجاد می‌کند: چگونه یک پدیده (ذکر الهی) می‌تواند موجب دو اثر متقابل (ترس و آرامش) در یک فرد واحد (مؤمن) شود؟

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

تحقیق در چگونگی رفع این تناقض ظاهری و تبیین نسبت واقعی میان این دو حالت قلبی در تفاسیر قرآن کریم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بحث نه تنها به درک دقیق‌تر مفهوم ذکر الله و دامنه‌ی تأثیر آن بر روان آدمی یاری می‌رساند، بلکه در شناخت مراتب و حقیقت ایمان و تمایز آن از حالات روانی دیگر، جایگاه خوف و رجاء در مسیر کمال معنوی، و همچنین کارکرد ذکر در آرامش‌بخشی یا ایجاد خشیت در قلب مؤمن، کلیدگشاست. تبیین این مسئله، تصویری جامع‌تر از پویایی حالات قلبی مؤمنان و سازگاری ظریف میان تجلیات مختلف ایمان در ساحت روان را ارائه می‌دهد.

۲-۲. پیشینه پژوهش و جنبه نو اوری

مسئله‌ی توفیق میان دو آیه‌ی مذکور و تبیین رابطه‌ی وجل و طمأنینه در مواجهه با ذکر الهی، یکی از مباحث مورد توجه مفسران اسلامی در طول تاریخ تفسیر بوده است. مفسران با رویکردهای گوناگون کلامی، فلسفی و عرفانی، به این تناقض ظاهری نگریسته و هر یک راهکارهایی برای حل آن پیشنهاد داده‌اند. برخی با تفکیک انواع ذکر (مانند ذکر جلال و ذکر جمال، یا ذکر وعد و ذکر وعید)، برخی با اشاره به مراتب ایمان و تفاوت حالات مبتدیان و منتهیان، و برخی دیگر با تأکید بر تفاوت اوقات یا شرایط ذکر، به این پرسش پاسخ گفته‌اند. مجموعه دیدگاه‌های موجود در منابع تفسیری، که دامنه‌ی وسیعی از اقوال مفسران بزرگ از مذاهب و گرایش‌های مختلف را در بر می‌گیرد، نشان‌دهنده‌ی عمق این بحث و تلاش‌های علمی گسترده برای فهم دقیق مراد قرآن است. این پژوهش با مبنا قرار دادن این مجموعه از دیدگاه‌های تفسیری، در صدد است تا با تحلیل و دسته‌بندی اقوال گوناگون، به تبیین جامعی از نسبت میان خوف و طمأنینه در مواجهه با ذکر الهی از منظر این مفسران دست یابد.

از این رو، پژوهش حاضر در پی آن است تا با تکیه بر منابع تفسیری، به این پرسش‌های بنیادین پاسخ دهد: خوف (وجل) و طمأنینه در مواجهه با ذکر الهی از منظر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مفسران چه تعاریف و ابعادی دارند؟ موجبات و مصادیق بروز هر یک از این حالات قلبی در مؤمنان کدام‌اند؟ مفسران چگونه به تبیین رابطه‌ی هم‌گرایی میان خوف و طمأنینه پرداخته و راهکارهای ایشان برای جمع میان این دو حالت چیست؟ و در نهایت، عوامل و نمودهای واگرایی از این حالات در غیرمؤمنان چگونه تبیین شده است؟

۲-۳. مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی

برای ورود به بحث اصلی و تحلیل دقیق رابطه‌ی میان دو حالت قلبی مورد نظر، ضروری است که ابتدا درک روشنی از مفاهیم کلیدی این پژوهش حاصل شود. از این رو، در این بخش به مفهوم‌شناسی دو واژه‌ی کانونی «وجل» (خوف) و «طمأنینه» پرداخته می‌شود. این بررسی شامل ابعاد لغوی و معنای اصطلاحی این واژگان در بافت آیات قرآن و با استناد به دیدگاه‌های مفسران خواهد بود تا مبانی نظری تحقیق به درستی پی‌ریزی شود.

۲-۳-۱. مفهوم‌شناسی خوف (وجل) در مواجهه با ذکر الهی

در آیه‌ی دوم سوره‌ی انفال، یکی از ویژگی‌های اصلی مؤمنان راستین، وجل قلب هنگام ذکر الهی معرفی شده است. برای فهم دقیق این صفت قرآنی، لازم است به معنای لغوی و اصطلاحی وجل پرداخته و سپس موجبات و مصادیق آن را از منظر مفسران بررسی کنیم.

۲-۳-۱-۱. وجل در لغت و اصطلاح قرآنی

واژه‌ی وجل در لغت به معنای خوف و ترس به کار رفته است (ابوعبیده، ۲۴۰/۱؛ یزیدی، ۱۵۷؛ نحاس، ۸۹/۲؛ ابن‌عطیه، ۵۰۰/۲؛ شوکانی، ۳۲۶/۲). مفسران نیز وجل را به معانی مترادفی چون فزع، رقت قلب، خشیت، استشعار خوف، شدت خوف و اضطراب تفسیر کرده‌اند (ابوعبیده، ۲۴۰/۱؛ یزیدی، ۱۵۷؛ طبری، ۱۲۰/۹؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۶۵۵/۵؛ سمرقندی، ۴/۲؛ طبرانی، ۲۳۶/۳؛ طبرسی، ۷۹۸/۴؛ ابن‌عطیه، ۵۰۰/۲؛ زمخشری، ۱۹۵/۲؛

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

بیضاوی، ۴۹/۳)[۱] ابن مسعود و ابی بن کعب نیز در قرائت‌هایی شاذ از آیه، به جای وجلت کلمه‌ی فرقت و فزعت را به کار برده‌اند که مؤید همین معناست (ابن‌عطیه، ۵۰۰/۲). برخی وجل را خوف همراه با شدت حزن دانسته‌اند (طبرانی، ۲۳۶/۳؛ طبرسی، ۷۹۸/۴). ام الدرداء حالتی جسمانی ناشی از وجل را قشعریره (لرز) و احتراق السعفة (سوختن شاخه نخل) تشبیه کرده است (طبری، ۱۲۰/۹؛ ابن کثیر، ۹/۴؛ قرطبی، ۳۶۵/۷؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ قطب، ۱۴۷۵/۳؛ رضا، ۵۸۸/۹؛ شعراوی، ۴۵۶۹/۸).

در اصطلاح قرآنی، وجل قلب در مواجهه با ذکر الهی، صفتی است که نشانه‌ی صدق و کمال ایمان مؤمن دانسته شده است (طبری، ۱۲۰/۹؛ ثعلبی، ۳۲۷/۴؛ ابن‌شهرآشوب، ۱۱۱/۱؛ خازن، ۲۹۰/۲).[۲] کلمه‌ی إِنَّمَا در ابتدای آیه نیز حصر را می‌رساند و بیانگر آن است که مؤمنان کامل کسانی هستند که دارای این صفت‌اند (زمخشری، ۱۹۵/۲؛ فخررازی، ۴۵۰/۱۵؛ بیضاوی، ۴۹/۳؛ قرطبی، ۳۶۵/۷؛ خازن، ۲۹۰/۲)[۳] وجل در قلب، نشانه‌ی مراقبت مؤمنان نسبت به پروردگارشان است، گویی که همواره در محضر اویند (قرطبی، ۳۶۵/۷).

۲-۳-۲. مفهوم‌شناسی طمأنینه در مواجهه با ذکر الهی

در کنار وجل، آرامش و سکون قلب نیز از جمله صفاتی است که قرآن کریم برای

---

۱. نیز نک : (قرطبی، ۳۶۵/۷؛ رسعنی، ۳۶۰/۲؛ نظام الاعرج، ۳۷۳/۳؛ سمین، ۳۹۳/۳؛ خازن، ۲۹۰/۲؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ انصاری، ۱۱۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ حقی برسوی، ۳۱۲/۱؛ جزائری، ۲۴۲/۲؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ شبر، ۷/۳؛ شوکانی، ۳۲۶/۲؛ ابن عاشور، ۱۴/۹؛ مراغی، ۱۶۴/۹؛ مغنیه، ۴۴۹/۳؛ قطب، ۱۴۷۵/۳؛ رضا، ۵۸۸/۹؛ قاسمی، ۲۵۵/۵؛ طباطبایی، ۱۱/۹؛ مکارم شیرازی، ۳۶۲/۵؛ صادقی تهرانی، ۱۲۱/۱۲؛ فضل الله، ۳۲۷/۱۰؛ سبزواری، ۲۵۴/۳؛ شحاته، ۱۶۸۷/۵؛ جزائری، ۲۸۴/۲؛ شعراوی، ۴۵۶۹/۸؛ حوی، ۲۱۱۴/۴؛ سبحانی، ۲۹/۱۲).

۲ . برای نمونه نک : (طوفی، ۳۰۵/۱؛ بقاعی، ۱۸۴/۳؛ شیخ علوان، ۲۸۱/۱؛ ابوالسعود، ۴/۴؛ کاشانی، ۸/۳؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ انصاری، ۱۱۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ شبر، ۷/۳؛ شوکانی، ۳۲۶/۲؛ ابن عاشور، ۱۴/۹؛ مراغی، ۱۶۴/۹؛ مغنیه، ۴۴۹/۳؛ قطب، ۱۴۷۵/۳؛ رضا، ۵۸۸/۹؛ قاسمی، ۲۵۵/۵؛ طباطبایی، ۱۱/۹؛ مکارم شیرازی، ۳۶۲/۵؛ صادقی تهرانی، ۱۲۱/۱۲؛ فضل الله، ۳۲۷/۱۰؛ سبزواری، ۲۵۴/۳؛ شحاته، ۱۶۸۷/۵؛ جزائری، ۲۸۴/۲؛ شعراوی، ۴۵۶۹/۸؛ حوی، ۲۱۱۴/۴؛ سبحانی، ۲۹/۱۲).

۳ . نیز نک : (طوفی، ۳۰۵/۱؛ بقاعی، ۱۸۴/۳؛ شیخ علوان، ۲۸۱/۱؛ ابوالسعود، ۴/۴؛ کاشانی، ۸/۳؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ انصاری، ۱۱۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ حقی برسوی، ۳۱۲/۱؛ جزائری، ۲۴۲/۲؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ شبر، ۷/۳؛ شوکانی، ۳۲۶/۲؛ ابن عاشور، ۱۴/۹؛ مراغی، ۱۶۴/۹؛ حوی، ۲۱۱۴/۴).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مؤمنان در مواجهه با ذکر الهی برمی‌شمارد.آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی رعد به وضوح بیان می‌کند: «ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ» (الرعد، ۲۸). برای فهم این حالت قلبی، به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی طمأنینه و سپس موجبات و مصادیق آن از دیدگاه مفسران می‌پردازیم.

۲-۳-۲-۱. طمأنینه در لغت و اصطلاح قرآنی

واژه‌ی طمأنینه در لغت به معنای سکون، استقرار، آرامش و عدم اضطراب است (قرطبی، ۳۱۵/۹؛ طباطبایی، ۳۵۳/۱۱؛ ابن عاشور، ۱۸۱/۱۲). در اصطلاح قرآنی، طمأنینه قلب در مواجهه با ذکر الهی، حالتی از آرامش درونی و سکون نفس است که از ایمان و پیوند با خداوند ناشی می‌شود. مفسران این حالت را به معانی مختلفی تفسیر کرده‌اند از جمله: آرامش یافتن قلب و انس گرفتن به خداوند (طبرسی، ۴۴۷/۶؛ طوسی، ۲۴۹/۶؛ بیضاوی، ۱۸۷/۳؛ کاشانی، ۴۴۸/۳؛ خطیب شربینی، ۱۷۸/۲؛ خفاجی، ۴۱۳/۵؛ آلوسی، ۱۴۱/۷؛ شبر، ۷/۳؛ حوی، ۲۷۵۵/۵)، رضایت قلب(ابن عباس، ۲۰۸؛ سمرقندی، ۲۲۶/۲؛ دینوری، ۴۰۳/۱؛ قرطبی، ۳۱۵/۹؛ سبزواری، ۱۲۶/۴؛ حوی، ۲۷۵۵/۵)، وثوق و اعتماد به خداوند(صاوی، ۲۱۴/۲؛ بیضاوی، ۱۸۷/۳؛ کاشانی، ۴۴۸/۳؛ خطیب شربینی، ۱۷۸/۲؛ خفاجی، ۴۱۳/۵؛ آلوسی، ۱۴۱/۷؛ ابن عجیبه، ۲۵/۳)، استقرار و ثبات در ایمان و یقین(ابن کثیر، ۳۹۱/۴؛ سیواسی، ۲۶۶/۲؛ ابو السعود، ۲۰/۵؛ مغنیه، ۴۰۳/۴؛ طباطبایی، ۳۵۳/۱۱؛ صدیقی حسن خان، ۵۰۶/۳؛ سبحانی، ۱۱۸/۱۵)، و از بین رفتن قلق و اضطراب (سعادی، ۴۸۲؛ شحاته، ۲۴۵۴/۷؛ مراغی، ۱۰۰/۱۳؛ سیواسی، ۲۶۶/۲). برخی آن را نهایت درجه‌ی ایمان دانسته‌اند (مغنیه، ۴۰۳/۴). این حالت با شرح صدر و نور معرفت همراه است (خازن، ۲۹۰/۲؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱).

۳. موجبات و مصادیق وجل از دیدگاه مفسران (با استناد به آیه ۲ انفال)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مفسران، وجل قلب مؤمن هنگام ذکر الهی را ناشی از عوامل مختلف و متوجه مصادیق متعددی دانسته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۳-۱. عظمت و جلال الهی

بخش قابل توجهی از مفسران، وجل مذکور در آیه را ناشی از استعظام، هیبت، جلال، عزت سلطان و عظمت خداوند می‌دانند (تستری، ۷۱؛ طبرسی، ۷۹۸/۴؛ میبدی، ۵/۴؛ زمخشری، ۱۹۵/۲؛ فخررازی، ۴۵۰/۱۵؛ بیضاوی، ۴۹/۳).[۱] این نوع خوف، از جنس خوف از عقاب نیست، بلکه از معرفت به غنای ذاتی خداوند و احتیاج مطلق مخلوق به او نشأت می‌گیرد و حتی در قلب نزدیک‌ترین مخلوقات به او، مانند ملائکه مقرب و انبیاء، وجود دارد (فخررازی، ۴۵۰/۱۵؛ خازن، ۲۹۰/۲؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ حقی برسوی، ۳۱۲/۱). برخی آن را تأثر قلبی از تصور عظمت و بهاء و قهر و کبریاء و اشراق انوار تجلیات صفات الهی دانسته‌اند (ابن عربی، ۲۴۹/۱). ذکر جلال و جبروت خداوند نیز از موجبات این وجل شمرده شده است (رسعنی، ۳۶۰/۲).

۳-۲. عقاب و وعده‌های عذاب الهی

گروه دیگری از مفسران، وجل را به معنای ترس از عقاب، عدل الهی، وعیدهای خداوند بر معاصی و اقتدار او بر کیفر دانسته‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۳۷۷/۲؛ طبری، ۱۲۰/۹؛ طبرانی، ۲۳۶/۳؛ طبرسی، ۷۹۸/۴؛ نظام الاعرج، ۳۷۳/۳).[۲] این تفسیر، وجل را

---

۱. برای نمونه بنگرید به: (قرطبی، ۳۶۵/۷؛ رسعنی، ۳۶۰/۲؛ ابن عربی، ۲۴۹/۱؛ نظام الاعرج، ۳۷۳/۳؛ خازن، ۲۹۰/۲؛ کاشانی، ۸/۳؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ شبر، ۷/۳؛ شوکانی، ۳۲۶/۲؛ ابن عاشور، ۱۴/۹؛ مراغی، ۱۶۴/۹؛ مغنیه، ۴۴۹/۳؛ قطب، ۱۴۷۵/۳؛ رضا، ۵۸۸/۹؛ قاسمی، ۲۵۵/۵؛ طباطبایی، ۱۱/۹؛ مکارم شیرازی، ۳۶۲/۵؛ صادقی تهرانی، ۱۲۱/۱۲؛ فضل الله، ۳۲۷/۱۰؛ سبزواری، ۲۵۴/۳؛ شحاته، ۱۶۸۷/۵؛ جزائری، ۲۸۴/۲؛ شعراوی، ۴۵۶۹/۸؛ حوی، ۲۱۱۴/۴؛ سبحانی، ۲۹/۱۲).

۲. نیز نک : (خازن، ۲۹۰/۲؛ کاشانی، ۸/۳؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ شبر، ۷/۳؛ قاسمی، ۲۵۵/۵؛ سبزواری، ۲۵۴/۳؛ شحاته، ۱۶۸۷/۵؛ جزائری، ۲۸۴/۲؛ الشعراوی، ۴۵۶۹/۸؛ سبحانی، ۲۹/۱۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

بیشتر متوجه جنبه‌ی قهاریت و عدالت الهی در مواجهه با عصیانگران می‌داند.

۳-۳. خوف از معصیت و تقصیر در اوامر الهی

برخی دیگر از مفسران، وجل را حالتی دانسته‌اند که در پی همّ و اراده‌ی معصیت یا ظلم در مؤمن حاصل می‌شود و یاد خدا او را از آن بازمی‌دارد (یزیدی، ۱۵۷؛ طبری، ۱۲۰/۹؛ ابن کثیر، ۹/۴؛ بیضاوی، ۴۹/۳؛ قرطبی، ۳۶۵/۷؛ نظام الاعرج، ۳۷۳/۳؛ کاشانی، ۸/۳؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ آلوسی، ۱۵۵/۵). ابن عباس نیز وجل را حالتی دانسته که در هنگام امر به فرائض الهی برای منافقین حاصل نمی‌شود، ولی مؤمنان با آن، فرائض را ادا می‌کنند (طبری، ۱۲۰/۹؛ ابن کثیر، ۹/۴). همچنین، وجل می‌تواند ناشی از ترس از عدم قیام به حق الهی و تقصیر در واجبات باشد (قاسمی، ۲۵۵/۵؛ سبزواری، ۲۵۴/۳). این دیدگاه، وجل را عاملی بازدارنده از گناه و ترغیب کننده به طاعت می‌بیند.

۳-٤. وجل به عنوان صفت مؤمنان کامل

بسیاری از مفسران، همان‌گونه که در ابتدای بخش اشاره شد، تأکید دارند که وجل مذکور در آیه، نشانه‌ی مؤمنان کامل و راستین است (فخر رازی، ۴۵۰/۱۵؛ خازن، ۲۹۰/۲؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ انصاری، ۱۱۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ حقی برسوی، ۳۱۲/۱؛ جزائری، ۲۴۲/۲؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ شبر، ۷/۳؛ شوکانی، ۳۲۶/۲؛ ابن عاشور، ۱۴/۹؛ مراغی، ۱۶۴/۹؛ حوی، ۲۱۱۴/۴). این افراد کسانی هستند که ایمانشان محقق شده و صدق ایمانشان در عمل ظاهر گشته است (ماتریدی، ۱۵۲/۵؛ قرطبی، ۳۶۵/۷). وجل در قلب ایشان شدید و عمیق است و حتی با قشعریره و لرز همراه می‌شود که نشانه‌ی شدت تأثیر ذکر الهی بر روان و جسم ایشان است (طبری، ۱۲۰/۹؛ ابن کثیر، ۹/۴؛ قرطبی، ۳۶۵/۷؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ قطب، ۱۴۷۵/۳؛ رضا، ۵۸۸/۹؛ شعراوی، ۴۵۶۹/۸).

وجل، خروج از اوطان غفلت و بی‌خبری از خداوند است و انسان را به سمت حضور و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

ذکر حق سوق می‌دهد (قشیری، ۶۰۲/۱). این حالت، بخشی از سیر معنوی مؤمن است که او را از خوف فراق به سمت طمأنینه وصال رهنمون می‌شود (قشیری، ۶۰۲/۱).

٤. موجبات و مصادیق طمأنینه از دیدگاه مفسران(با استناد به آیه ۲۸ رعد)

مفسران در تبیین عوامل و مصادیق ذکر الله که موجب طمأنینه قلب می‌شود، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه داده‌اند که به شرح زیر است:

٤-۱. یاد رحمت و ثواب الهی

بسیاری از مفسران، طمأنینه را ناشی از یادآوری رحمت بی‌کران، فضل، مغفرت و نعمت‌های الهی و همچنین وعده‌های ثواب او بر اعمال صالح می‌دانند (طبرسی، ۴۴۷/۶؛ طوسی، ۲۴۹/۶؛ زمخشری، ۵۲۸/۲؛ فخر رازی، ۳۹/۱۹؛ بیضاوی، ۱۸۷/۳)[1] ذکر مواعید خداوند، به‌خصوص وعده‌های صادق او درباره‌ی بهشت و نعمت‌های آن، موجب این آرامش است، زیرا هیچ چیز به اندازه‌ی وعده‌ی صادق موجب اطمینان نفس نمی‌شود (طبرسی، ۴۴۷/۶؛ قرطبی، ۳۱۵/۹؛ رسعنی، ۴۸۲/۳؛ کاشانی، ۴۴۸/۳؛ سبحانی، ۱۱۸/۱۵).

٤-۲. یقین و نور معرفت توحیدی

طمأنینه با ثلج یقین و شرح صدر با نور معرفت توحیدی مرتبط دانسته شده است (خازن، ۲۹۰/۲؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱). علم به معجز بودن قرآن، خود موجب اطمینان به نبوت پیامبر و وحدانیت و صدق خداوند می‌شود (فخررازی، ۳۹/۱۹؛ نظام الاعرج، ۱۵۶/۴؛ ابوالسعود، ۲۰/۵؛ ابن عاشور، ۱۸۱/۱۲؛ مغنیه، ۴۰۳/۴). اطمینان به یگانگی خداوند و عدم شک در آن نیز از مصادیق ذکرالله موجب طمأنینه شمرده شده است

---

۱. برای نمونه نکـ : (قرطبی، ۳۱۵/۹؛ رسعنی، ۴۸۲/۳؛ نظام الاعرج، ۱۵۶/۴؛ کاشانی، ۴۴۸/۳؛ خطیب شربینی، ۱۷۸/۲؛ خفاجی، ۴۱۳/۵؛ آلوسی، ۱۴۱/۷؛ شبر، ۷/۳؛ قاسمی، ۲۸۲/۶؛ سعادی، ۴۸۲؛ صدیقی حسن خان، ۵۰۶/۳؛ مراغی، ۱۰۰/۱۳؛ سیواسی، ۲۶۶/۲؛ شعراوی، ۷۳۱۸/۱۲؛ سبحانی، ۱۲۰/۱۵).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

(سمرقندی، ۲۲۶/۲؛ سیواسی، ۲۶۶/۲؛ صدیقی حسن خان، ۵۰۶/۳؛ سبحانی، ۱۱۸/۱۵). معرفت به خداوند و جلال و عظمت او که موجب آرامش قلب می‌شود، مانند اکسیر حیات است که قلب را به جوهری نورانی و پایدار تبدیل می‌کند که تغییر و زوال نمی‌پذیرد (فخررازی، ۳۹/۱۹؛ نظام الاعرج، ۱۵۶/۴؛ سبزواری، ۱۲۶/۴). این آرامش از روی یقین و بدون شک حاصل می‌شود (سیواسی، ۲۶۶/۲). قلب مؤمن، پس از پشت سر گذاشتن حالات اضطراب و خوف اولیه، با یاد پروردگارش که نهایت مطلوب فطرت اوست، آرام می‌گیرد و با او انس می‌گیرد (طباطبایی، ۳۵۳/۱۱).

٤-۳. قرآن کریم و آیات الهی

بسیاری از مفسران ذکر الله در آیه‌ی رعد را مصداق قرآن کریم دانسته‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۳۷۷/۲؛ ابن عباس، ۲۰۸؛ طبری، ۹۷/۱۳؛ دینوری، ۴۰۳/۱؛ ماتریدی، ۳۳۸/۶؛ طوسی، ۲۴۹/۶)[1] تلاوت و تدبر در قرآن که حاوی دلایل و برهان‌های روشن بر حقایق است، موجب سکون قلب و تثبیت یقین در مؤمن می‌شود (زمخشری، ۵۲۸/۲؛ ابو السعود، ۲۰/۵؛ سعادی، ۴۸۲؛ شحاته، ۲۴۵۴/۷؛ مغنیه، ۴۰۳/۴). برخی دیگر، ذکر الله را اعم از قرآن و شامل تدبر در آیات تکوینی و عجایب خلقت نیز دانسته‌اند که موجب معرفت و آرامش قلب می‌شود (قرطبی، ۳۱۵/۹؛ طباطبایی، ۳۵۳/۱۱؛ شحاته، ۲۴۵۴/۷؛ دروزه، ۵۴۰/۵).

٤-٤. ذکر لسانی و قلبی خداوند

ذکر لسانی خداوند، مانند تسبیح، تهلیل، تکبیر و تلاوت قرآن (قتاده، به نقل از طبری، ۹۷/۱۳؛ ماوردی، ۱۱۰/۳؛ صدیقی حسن خان، ۵۰۶/۳؛ شحاته، ۲۴۵۴/۷؛ حوی،

---

۱. نیز ر.ک: (ثعلبی، ۲۸۸/۵؛ ماوردی، ۱۱۰/۳؛ زمخشری، ۵۲۸/۲؛ رسعنی، ۴۸۲/۳؛ نظام الاعرج، ۱۵۶/۴؛ ابوالسعود، ۲۰/۵؛ کاشانی، ۴۴۸/۳؛ خطیب شربینی، ۱۷۸/۲؛ آلوسی، ۱۴۱/۷؛ قاسمی، ۲۸۲/۶؛ سعادی، ۴۸۲؛ صدیقی حسن خان، ۵۰۶/۳؛ ابن عاشور، ۱۸۱/۱۲؛ مراغی، ۱۰۰/۱۳؛ مغنیه، ۴۰۳/۴؛ شحاته، ۲۴۵۴/۷؛ شعراوی، ۷۳۱۸/۱۲؛ حوی، ۲۷۵۵/۵).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۲۷۵۵/۵) و همچنین ذکر قلبی و توجه باطنی به خداوند، از موجبات طمأنینه شمرده شده است. ذکر قلبی می‌تواند شامل تفکر در نعمات و عظمت الهی (ماتریدی، ۳۳۸/۶؛ ابن عربی، ۳۴۲/۱)، مطالعه‌ی صفات الهی و ملکوت (ابن عربی، ۳۴۲/۱؛ رسعنی، ۴۸۲/۳؛ ماوردی، ۱۱۰/۳؛ رزبیهان بقلی، ۲۳۹/۲)، و حتی حضور و مناجات با خداوند در مراتب بالاتر باشد (ابن عربی، ۳۴۲/۱). برخی نیز ذکر الله را به معنای توجه خداوند به بنده با توفیق و تسدید و عصمت (ماتریدی، ۳۳۸/۶؛ قشیری، ۲۲۹/۲؛ ابن عرفه، ۴۳۱/۲؛ رزبیهان بقلی، ۲۳۹/۲) یا ذکر او ازلی بندگان به خاطر اصطفائیتشان دانسته‌اند که طمأنینه را تا ابد برایشان باقی می‌گذارد (رزبیهان بقلی، ۲۳۹/۲). در روایاتی نیز ذکر الله در این آیه بر پیامبر اکرم، اهل بیت و ائمه(ع) تطبیق داده شده است (قمی، ۳۶۵/۱؛ فرات کوفی، ۲۰۷؛ عیاشی، ۲۱۱/۲؛ سبزواری، ۱۲۶/۴؛ صدیقی حسن خان، ۵۰۶/۳؛ آلوسی، ۱۴۱/۷).

٤-۵. رضایت از تقدیر الهی و توکل

از دیگر موجبات طمأنینه، رضایت قلب مؤمن به خداوند به عنوان مولا و نصیر است (ابن کثیر، ۳۹۱/۴؛ قرطبی، ۳۱۵/۹؛ قاسمی، ۲۸۲/۶؛ حوی، ۲۷۵۵/۵). این حالت در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات زندگی حاصل می‌شود، چرا که مؤمن با پذیرش قدر الهی و توکل بر او، از قلق و اضطراب رها شده و به آرامش دست می‌یابد. توکل بر خداوند به عنوان عمل قلبی، به مؤمن اطمینان می‌دهد که حتی اگر اسباب ظاهری کارگر نیفتند، مسبب اصلی قادر مطلق است و امور به دست اوست (شعراوی، ۷۳۱۸/۱۲). این اتکال و اعتماد به خداوند موجب می‌شود که مؤمن از غیر او نترسد و به غیر او امیدوار نباشد (صاوی، ۲۱۴/۲؛ خفاجی، ۴۱۳/۵).

۵. هم‌گرایی خوف و طمأنینه: تبیین رابطه وجل و طمأنینه در قلب مؤمن

همان‌گونه که در بخش‌های پیشین ملاحظه شد، قرآن کریم دو حالت وجل و طمأنینه را به مؤمنان نسبت داده است. این موضوع، پرسش از چگونگی نسبت میان این دو حالت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

ظاهراً متضاد را در یک قلب برمی‌انگیزد. اکثر مفسران تصریح دارند کـه وجـل (خـوف) و طمأنینه (که از رجاء برمی‌خیزد)، هرچند در ظاهر متقابل به نظر می‌رسند، اما تضـاد ذاتـی ندارند. با این حال، رابطه‌ی این دو در قلب مؤمن همواره یک هم‌گرایی سـاده و هـم‌زمـان نیست، بلکه می‌تواند به صورت یک کشمکش پویا و سازنده نیز متجلی شود. مؤمن همواره میان دو قطب خوف از عدل الهی و امید به فضل او در نوسان است؛ حالتی کـه در آیـه ۵۶ سوره اعراف: «**وَٱدعُوهُ خَوفا وَطَمَعًـا**» (او را با ترس و امید بخوانید) به زیبایی تصویر شـده است. این دو حالت مکمل یکدیگرند و بسته به نوع ذکر، مراتب سلوک و یا حالات درونی مؤمن، یکی بر دیگری غلبه می‌یابد یا در کنار هم به تعادل می‌رسند.

۵-۱. عدم تنافی خوف و رجاء(وجل و طمأنینه)

اکثر مفسران تصریح دارند که وجل (خوف) و طمأنینه، هرچند در ظاهر متقابل بـه نظـر می‌رسند، اما در حقیقت با یکدیگر تنافی و تضاد ذاتی ندارنـد و مـی‌تواننـد در یـک قلـب مؤمن جمع شوند (طبرسی، ۷۹۸/۴؛ ابن‌شهرآشوب، ۱۱۱/۱؛ فخر رازی، ۴۵۰/۱۵؛ خـازن، ۲۹۰/۲؛ خطیـب شـربینی، ۶۳۳/۱؛ خفـاجی، ۴۳۲/۴؛ آلوسـی، ۱۵۵/۵؛ شـبر، ۷/۳؛ نظـام‌الاعـرج، ۳۷۳/۳؛ قاسـمی، ۲۵۵/۵؛ سیواسـی، ۲۶۶/۲؛ مراغـی، ۱۶۴/۹؛ صـاوی، ۲۱۴/۲؛ صادقی تهرانی، ۱۲۱/۱۲؛ سبحانی، ۲۹/۱۲). این عدم تنافی بدین دلیل اسـت کـه این دو حالت در اوقات یا شرایط مختلفی بروز می‌کنند، یا به انواع متفاوتی از ذکر مربـوط می‌شوند، یا ناشی از جنبه‌های مختلف معرفت مؤمن به خداوند و خود او هستند.

۵-۲. وجل به عنوان مرحله‌ای در مسیر طمأنینه:

برخی تفاسیر به نوعی تقدم و تأخر میان این دو حالت اشـاره دارنـد. بـر ایـن اسـاس، وجل می‌تواند حالت ابتدایی یا مرحله‌ای باشد که مؤمن در مسیر وصول بـه طمأنینـه آن را تجربه می‌کند. قشیری اشاره می‌کند که وجل، خروج از اوطان غفلت و اضـطراب از فـراق

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

الهی است، و مؤمن پس از آن به سمت سکون و طمأنینه وصال پیش می‌رود (قشیری، ۶۰۲/۱). سیدقطب نیز وجل را لرزه‌ی وجدانی اولیه‌ای می‌داند که پس از آن قلب به سمت آرامش و قرار حرکت می‌کند، حالتی که نیازمند دعا برای سکون و آرامش است (قطب، ۱۴۷۵/۳). علامه طباطبایی نیز بیان می‌دارد که وجل، حالت قلبی متقدم بر طمأنینه است (طباطبایی، ۳۵۳/۱۱). این دیدگاه، وجل را نه پایان راه، بلکه بخشی از فرآیند پالایش و سیر قلبی می‌داند که در نهایت به آرامش و قرار در سایه‌ی ذکر الهی می‌انجامد.

۵-۳. تمایز در نوع ذکر (جلال/ جمال، عقاب/ رحمت)

یکی از رایج‌ترین تبیین‌ها برای جمع میان وجل و طمأنینه، تفکیک در مصداق ذکر الله است. بر این اساس، وجل در پی ذکر صفات جلال، عظمت، قهر، عدل، وعید و عقاب الهی حاصل می‌شود (طبرسی، ۷۹۸/۴؛ ابن‌شهرآشوب، ۱۱۳/۱؛ فخر رازی، ۴۵۰/۱۵؛ نظام الاعرج، ۳۷۳/۳)[1] در مقابل، طمأنینه ناشی از ذکر صفات جمال، رحمت، مغفرت، فضل، احسان، ثواب و وعده‌های الهی است (طبرسی، ۷۹۸/۴؛ ابن‌شهرآشوب، ۱۱۳/۱؛ فخر رازی، ۴۵۰/۱۵؛ نظام الاعرج، ۳۷۳/۳)[2] به عبارت دیگر، قلب مؤمن در مواجهه با یاد خداوند، بسته به اینکه کدام جنبه از صفات یا افعال الهی مد نظر قرار گیرد، واکنش متفاوتی نشان می‌دهد؛ توجه به هیبت و عدل او موجب ترس و توجه به لطف و رحمت او موجب آرامش می‌شود.

۵-٤. تمایز در حالت درونی مؤمن (خوف از گناه/ رجا به فضل)

وجه دیگر برای تبیین هم‌گرایی، تمرکز بر حالت درونی و نفسانی خود مؤمن است. وجل می‌تواند ناشی از یادآوری معاصی، گناهان و تقصیرات خود بنده در برابر عظمت الهی

---

۱. برای نمونه نکـ : (خازن، ۲۹۰/۲؛ کاشانی، ۸/۳؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ شبر، ۷/۳؛ قاسمی، ۲۵۵/۵؛ سیواسی، ۲۶۶/۲؛ مراغی، ۱۶۴/۹؛ صاوی، ۲۱۴/۲؛ شعراوی، ۴۵۶۹/۸؛ سبحانی، ۲۹/۱۲).

۲. نیز نکـ : (خازن، ۲۹۰/۲؛ کاشانی، ۸/۳؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ شبر، ۷/۳؛ قاسمی، ۲۵۵/۵؛ سیواسی، ۲۶۶/۲؛ مراغی، ۱۶۴/۹؛ صاوی، ۲۱۴/۲؛ شعراوی، ۴۵۶۹/۸؛ سبحانی، ۲۹/۱۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

و ترس از عدم توانایی در انجام کامل تکالیف و واجبات باشد(طبرسی، ۷۹۸/۴؛ قاسمی، ۲۵۵/۵؛ سبزواری، ۲۵۴/۳؛ جزائری، ۲۴۲/۲؛ طباطبایی، ۳۵۳/۱۱؛ صادقی تهرانی، ۱۲۱/۱۲). در مقابل، طمأنینه از امید و رجاء به فضل، رحمت، مغفرت و عفو الهی حاصل می‌شود(طبرسی، ۷۹۸/۴؛ فخر رازی، ۴۵۰/۱۵؛ قاسمی، ۲۵۵/۵؛ جزائری، ۲۴۲/۲؛ صادقی تهرانی، ۱۲۱/۱۲؛ شعراوی، ۷۳۱۸/۱۲؛ پانی پتی، ۲۳۶/۵؛ سبحانی، ۲۹/۱۲). مؤمن همواره میان خوف از عملکرد خود و امید به کرم الهی قرار دارد، و این دو حالت مکمل یکدیگرند؛ خوف او را از غفلت و عصیان باز می‌دارد و رجاء او را به سوی طاعت و توبه سوق می‌دهد.

۵-۵. جمع دو حالت در یک آیه(زمر/۲۳)به عنوان دلیل بر هم‌گرایی

بسیاری از مفسران برای تأیید امکان جمع وجل و طمأنینه در قلب مؤمن، به آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی زمر استناد کرده‌اند: «**اللّهُ نَزّلَ أَحْسَنَ الْحَدِیثِ کِتاباً مُتَشابِهاً مَثانِیَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الّذِینَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِینُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلی ذِکْرِ اللّهِ**» (الزمر، ۲۳). این آیه به روشنی بیان می‌دارد که قرآن، موجب اقشعرار (لرز و سیخ شدن موهای بدن) در پوست کسانی می‌شود که از پروردگارشان می‌ترسند، و سپس پوست‌ها و دل‌هایشان به سوی ذکر الهی نرم و آرام می‌گردد. مفسران این اقشعرار را معادل وجل و لینت و طمأنینه را معادل طمأنینه در دو آیه‌ی مورد بحث دانسته‌اند (طبرسی، ۷۹۸/۴؛ فخر رازی، ۴۵۰/۱۵؛ خازن، ۲۹۰/۲؛ خطیب شربینی، ۶۳۳/۱؛ خفاجی، ۴۳۲/۴؛ آلوسی، ۱۵۵/۵؛ نظام الاعرج، ۳۷۳/۳؛ کاشانی، ۸/۳؛ مراغی، ۱۶۴/۹؛ صاوی، ۲۱۴/۲؛ شعراوی، ۴۵۶۹/۸؛ صادقی تهرانی، ۱۲۱/۱۲؛ زحیلی، ۱۶۵/۱۳؛ سبحانی، ۳۱/۱۲). آیه نشان می‌دهد که ممکن است در اثر یک ذکر خاص(تلاوت قرآن)، ابتدا حالت خوف و لرز و سپس حالت آرامش و نرمی در قلب و پوست مؤمن پدید آید. این تغییر حالت می‌تواند در زمان‌های مختلف یا حتی در اثر یک مواجهه‌ی واحد رخ دهد، به طوری که پس از درک اولیه از عظمت یا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

وعید، توجه به رحمت و لطف الهی موجب آرامش شود. برخی مفسران، این آیه را دلیل بر این دانسته‌اند که وجل مرحله‌ای است که در پی ملاحظه‌ی گناهان و عظمت الهی رخ می‌دهد، و سپس با توجه به رحمت و مغفرت الهی، طمأنینه حاصل می‌شود (سبحانی، ۳۱/۱۲). این آیه نمونه‌ی بارزی از هم‌گرایی این دو حالت در سیره‌ی مؤمنان راستین است.

۶. انحصار طمأنینه حقیقی در ذکر الهی و فقدان آن در قلوب غافلان

در نقطه مقابلِ حالات پویای قلب مؤمن، قلوب غافلان از ذکر خدا، از این واکنش‌های معنوی بی‌بهره است. قرآن کریم در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی رعد با عبارت حصری «أَلَا بِذِكْرِ ٱللَّهِ تَطْمَئِنُّ ٱلْقُلُوبُ»، این پیام را به وضوح بیان می‌کند که طمأنینه و آرامش حقیقی و پایدار، صرفاً و منحصراً از طریق پیوند با خداوند حاصل می‌شود. این امر بدین معناست که هرگونه آرامش مبتنی بر غیر خدا، ناپایدار و ظاهری است. دلبستگی به امور مادی و غفلت از یاد خدا، ذاتاً موجب اضطراب و تفرقه در فکر و روان می‌گردد. بنابراین، حالِ قلبِ رویگردان از خدا، نه یک «واگرایی» در مقابل «هم‌گرایی» مؤمن، بلکه یک «فقدان» و «خلأ» از اصلِ آرامش حقیقی است که اهمیت و جایگاه بی‌بدیل ذکر الهی در نیل به سکون قلبی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

۶-۱. قلب ناآرام کافران و منافقان

برخلاف مؤمنان راستین که هنگام ذکر الهی قلبشان متأثر می‌شود، منافقان از این ویژگی بی‌بهره‌اند. ابن عباس در تفسیر آیه‌ی دوم انفال بیان می‌دارد که منافقان کسانی هستند که هیچ‌چیزی از ذکر خدا هنگام ادای فرائض وارد قلبشان نمی‌شود، به آیات الهی ایمان نمی‌آورند و بر خدا توکل نمی‌کنند (طبری، ۱۲۰/۹؛ ابن کثیر، ۹/۴). ماتریدی نیز مؤمنان را در مقابل منافقان مرتاب و دودل قرار می‌دهد که صدقشان در وجل قلب و خشیت آشکار می‌شود (ماتریدی، ۱۵۲/۵). قشیری اشاره می‌کند که وجل قلب مؤمن را از اَوطانِ غفلت و مساکن غیبت (جایگاه‌های غفلت و بی‌خبری) بیرون می‌آورد (قشیری،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۶۰۲/۱)، که این تعبیر به‌طور ضمنی نشان می‌دهد غیرمؤمنان در این حالات غفلت و بی‌خبری به سر می‌برند.

آیه‌ی بیست و هشتم رعد نیز به طور صریح یا ضمنی بیان می‌کند که آرامش قلب با ذکر خدا مخصوص مؤمنان است (طوسی، ۲۴۹/۶؛ قشیری، ۲۲۹/۲؛ قرطبی، ۳۱۵/۹؛ بیضاوی، ۱۸۷/۳؛ ابوالسعود، ۲۰/۵؛ ابن عاشور، ۱۸۱/۱۲). مفهوم حصر در عبارت «أَلا بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنٌّ الْقُلُوبُ» بیانگر آن است که تنها با ذکر خداست که قلوب به آرامش می‌رسند (بیضاوی، ۱۸۷/۳؛ ابوالسعود، ۲۰/۵؛ آلوسی، ۱۴۱/۷؛ صاوی، ۲۱۴/۲؛ ابن عاشور، ۱۸۱/۱۲؛ حوی، ۲۷۵۵/۵). این امر به طور ضمنی نشان می‌دهد که قلوب غیرمؤمنان که فاقد این ذکر مؤثر هستند، در حالت عدم طمأنینه و اضطراب به سر می‌برند (فخر رازی، ۳۹/۱۹؛ سیواسی، ۲۶۶/۲؛ مراغی، ۱۰۰/۱۳؛ صادقی تهرانی، ۳۲۲/۱۵؛ فضل الله، ۵۲/۱۳). برخی مفسران با تعابیری قوی‌تر، قلب غیرمؤمن را فاقد قلب حقیقی (بقاعی، ۱۴۹/۴؛ ابوالسعود، ۲۰/۵؛ ابن عاشور، ۱۸۱/۱۲) یا دارای قلبی معیوب و بیمار (قشیری، ۲۲۹/۲) دانسته‌اند که در معرض اضطراب، قلق و بی‌قراری دائمی است (فخر رازی، ۳۹/۱۹؛ قطب، ۲۰۶۰/۴؛ صادقی تهرانی، ۳۲۲/۱۵).

۶-۲. عدم تأثیر ذکر الهی بر قلب ناپاک:

ذکر الهی که برای مؤمن موجب وجل یا طمأنینه است، بر قلب ناپاک و آلوده به کفر و نفاق بی‌تأثیر بوده یا حتی اثری معکوس دارد. ابن عباس بیان می‌کند که منافقان هنگام یاد فرائض الهی، ذکر خدا در قلبشان وارد نمی‌شود (طبری، ۱۲۰/۹؛ ابن کثیر، ۹/۴). این نشان می‌دهد که مانعی در قلب آن‌ها وجود دارد که اجازه‌ی تأثیرگذاری ذکر را نمی‌دهد.

ماتریدی با استناد به آیه‌ی دیگری (زمر، ۴۵) بیان می‌کند که قلوب کسانی که به آخرت ایمان ندارند، هنگامی که فقط خدا ذکر می‌شود، منزجر و متنفر (اشمأزّت) می‌شود، در حالی که اگر غیر خدا ذکر شود، شاد و خوشحال (یستبشرون) می‌گردند (ماتریدی،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳۳۸/۶؛ صدیقی حسن خان، ۵۰۶/۳). این حالت نقطه‌ی مقابل طمأنینه‌ای است که مؤمنان با ذکر خدا به آن دست می‌یابند و نشان از واگرایی کامل قلب از مسیر معنوی دارد. قلب ناپاک که در شک و ریب غرق است (ماتریدی، ۱۵۲/۵؛ ابن عاشور، ۱۸۱/۱۲)، نمی‌تواند از ذکر الهی آرامش گیرد.

۶-۳. اطمینان به غیر خدا، ریشه‌ی اضطراب و شقاوت

همان‌طور که از مفهوم حصر در «أَلا بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنٌّ الْقُلُوبُ» استفاده می‌شود، آرامش حقیقی و پایدار تنها با ذکر خداوند حاصل می‌گردد و اطمینان به هر آنچه غیر اوست، موجب اضطراب و بی‌قراری است (فخر رازی، ۳۹/۱۹؛ بیضاوی، ۱۸۷/۳؛ ابوالسعود، ۲۰/۵؛ آلوسی، ۱۴۱/۷)[1] کافران و غیرمؤمنان که به زندگی دنیا رضایت داده و به آن دل بسته‌اند (همانند اشاره‌ی ماتریدی به یونس/۷) و از ذکر خدا غافل شده‌اند(مانند اشاره‌ی دروزه به فرقان/۱۸)، دچار معیشتی تنگ و سخت خواهند شد و از آرامش حقیقی محروم می‌مانند (قطب، ۲۰۶۰/۴؛ صادقی تهرانی، ۳۲۲/۱۵). دلبستگی به امور مادی و جستجوی آرامش در غیر خداوند، ذاتاً موجب تفرقه و اضطراب فکر می‌شود، در حالی که توجه به خداوند موجب وحدت مطلوب و سکون نفس می‌گردد (فخر رازی، ۳۹/۱۹؛ نظام الاعرج، ۱۵۶/۴؛ سبزواری، ۱۲۶/۴). بنابراین، واگرایی از خوف و طمأنینه با ذکر الهی، نتیجه‌ی قهری روی گردانی از حق و دل بستن به غیر اوست که سرانجامش چیزی جز شقاوت و بی‌قراری نخواهد بود.

۷. نتایج مقاله

این پژوهش، با عبور از تلقی رایج و دوگانه‌انگار، تناقض ظاهری میان «وجل» (خوف) و «طمأنینه» در قلب مؤمن را مورد واکاوی قرار داده و نشان می‌دهد که این دو

---

۱. برای نمونه نک : (صاوی، ۲۱۴/۲؛ ابن عاشور، ۱۸۱/۱۲؛ ابن عجیبه، ۲۵/۳؛ صادقی تهرانی، ۳۲۲/۱۵؛ حوی، ۲۷۵۵/۵).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

حالت، نه متضاد، بلکه دو مؤلفه‌ی حیاتی در یک هم‌افزایی دیالکتیکی و کارکردی هستند. یافته‌های این تحقیق، که بر پایه‌ی تحلیل‌های مفهومی و تفسیری استوار است، مکانیسمی دقیق را برای پویایی، تنظیم و تعالی ایمان آشکار می‌سازد. نتایج کلیدی به شرح زیر است:

۱. بازتعریف مفهومی «وجل» و «طمأنینه» به‌عنوان دو وجه یکپارچه از حقیقت ایمانی

این تحقیق نشان داد که «وجل» نه به معنای ترس فلج‌کننده، بلکه یک خشیت معرفت‌شناسانه (Epistemological Awe) است که از ادراک هیبت و جلال مطلق خداوند (صفات جلالیه) برمی‌خیزد. این حالت، یک واکنش شناختی-عاطفی به عظمت بیکران خالق است که مسئولیت‌پذیری انسان را برمی‌انگیزد. در مقابل، «طمأنینه» یک سکون وجودی (Existential Tranquility) است که ریشه در اعتماد به رحمت، فضل و صدق وعده‌ی الهی (صفات جمالیه) دارد. بنابراین، این دو حالت، پاسخ‌های متناسب قلب به تجلیات دوگانه‌ی جلال و جمال الهی هستند و هم‌زیستی آن‌ها نشان از غنای معرفتی مؤمن دارد، نه تزلزل ایمانی او.

۲. تبیین مکانیسم پویا و الگوی قرآنیِ گذار

تحلیل دیدگاه‌های تفسیری، یک مکانیسم پویا را آشکار ساخت که بر اساس آن، قلب مؤمن میان این دو قطب در نوسان است. این نوسان، تابعی از سه متغیر اصلی است: الف) متعلَّقِ ذکر (تمرکز بر صفات جلال یا جمال)، ب) مقام سلوکی مؤمن (مرتبه و ظرفیت معنوی او) و ج) حالت درونی او (غلبه‌ی بیم از تقصیر یا امید به فضل). آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی زمر، که از لرزش پوست‌ها و سپس نرم شدن دل‌ها در برابر یاد خدا سخن می‌گوید، به‌عنوان الگوی قرآنی این فرایند گذار (Transitional Process) عمل می‌کند؛ فرایندی که در آن، خشیت اولیه (وجل) زمینه‌ساز و تعمیق‌بخشِ آرامش ثانویه (طمأنینه) می‌گردد و این چرخه به پویایی ایمان می‌انجامد.

۳. اثبات «اصل انحصار طمأنینه در ذکرالله» و نتیجه‌ی منطقی آن

این پژوهش، براساس آیه‌ی «**أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**»، این اصل بنیادین را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

استنتاج می‌کند که آرامش حقیقی و پایدار، یک ویژگی انحصاری برای قلبی است که به منبع هستی متصل است. نتیجه‌ی منطقی (Corollary) این اصل، وجود یک اضطراب ساختاری (Structural Anxiety) در قلوب غافلان است. از آنجا که این قلوب به تکیه‌گاه‌های غیرحقیقی و متزلزل (مانند ثروت، قدرت و دیگر مخلوقات) اتکا دارند، ذاتاً از آرامش اصیل محروم‌اند و اضطراب، جزء لاینفک ساختار روانی آن‌هاست، حتی اگر با کامیابی‌های مادی موقتاً پوشانده شود.

۴. کشف کارکرد تنظیم‌گر و تعالی‌بخش در سلامت معنوی

یافته‌ی نهایی این تحقیق، تبیین کارکرد این دوگانه‌ی به هم‌پیوسته به‌عنوان یک مکانیسم تنظیم‌گر و تعالی‌بخش (Regulatory and Transcendental Mechanism) برای سلامت معنوی مؤمن است. در این سازوکار، «خوف» نقش نیروی بازدارنده یا ترمز معنوی را ایفا می‌کند که انسان را از غفلت، طغیان و غرور مصون می‌دارد. از سوی دیگر، «طمأنینه» نقش نیروی محرکه یا پیشران سلوک را بر عهده دارد که به مؤمن، امید و انگیزه برای حرکت مستمر در مسیر قرب الهی می‌بخشد. این تعادل پویا، که همچون دو بال برای پرواز عمل می‌کند، نه تنها به تعمیق معرفت جامع انسان نسبت به پروردگار منجر می‌شود، بلکه او را در مسیر سلامت معنوی، یعنی یک حیات باثبات، هدفمند و آرام، استوار می‌سازد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کتابشناسی

۱. قران کریم
۲. ابن ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، مکتبة نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ه.ق.
۳. ابن شهرآشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، بیدار، ۱۳۶۹ ه.ش.
۴. ابن عربی، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی تأویلات عبد الرزاق، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ه.ق.
۵. ابن عرفه، محمد بن محمد، تفسیر ابن عرفة، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۲۰۰۸ م.
۶. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۲ ه.ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ه.ق.
۸. ابن وهب دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۴ ه.ق.
۹. ابوالسعود، محمد بن محمد، تفسیر أبی السعود ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم، دار إحیاء التراث العربی، ۱۹۸۳ م.
۱۰. ابوعبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، مکتبة الخانجی، ۱۳۸۱ ه.ق.
۱۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۲. انصاری، زکریا بن محمد، فتح الرحمن شرح ما یلتبس من القرآن، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۴ ه.ق.
۱۳. بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۷ ه.ق.
۱۴. بقلی، روزبهان بن ابی‌نصر، عرائس البیان فی حقائق القرآن، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۲۰۰۸م.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل تفسیر البیضاوی، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ه.ق.
۱۶. پانی‌پتی، ثناءالله، التفسیر المظهری، مکتبة رشدیه، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۷. تستری، سهل بن عبدالله، تفسیر التستری، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۳ ه.ق.
۱۸. جدید سبزواری، محمد، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ه.ق.
۱۹. جزائری، ابوبکر جابر، ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، مکتبة العلوم و الحکم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۰. جزائری، نعمت‌الله بن عبدالله، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، نور وحی، ۱۳۸۸ ه.ش.
۲۱. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، دار الفکر.
۲۲. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، دارالسلام، ۱۴۲۴ ه.ق.
۲۳. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ ه.ق.
۲۴. خطیب شربینی، محمد بن احمد، تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر، دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۲۵ ه.ق.
۲۵. خفاجی، احمد بن محمد، حاشیة الشهاب المسماة عنایة القاضی و کفایة الراضی علی تفسیر البیضاوی، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۷ ه.ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۲۶. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، دارالغرب الإسلامی، ۱۴۲۱ ه.ق.
۲۷. رسعنی، عبدالرزاق بن رزقالله، رموز الکنوز فی تفسیر الکتاب العزیز، مکتبة الأسدی، ۱۴۲۹ ه.ق.
۲۸. رشید، رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، دارالمعرفة، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۹. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دارالفکر، ۱۴۱۱ ه.ق.
۳۰. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ه.ق.
۳۱. سبحانی تبریزی، جعفر، منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۵ ه.ش.
۳۲. سعادی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفیسر کلام المنان، مکتبة النهضة العربیة، ۱۴۰۸ ه.ق.
۳۳. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، دار الفکر، ۱۴۱۶ ه.ق.
۳۴. سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۴ ه.ق.
۳۵. سیواسی، احمد بن محمود، عیون التفاسیر، دار صادر، ۱۴۲۷ ه.ق.
۳۶. شبر، عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، شرکة مکتبة الالفین، ۱۴۰۷ ه.ق.
۳۷. شحاته، عبدالله محمود، تفسیر القرآن الکریم، دار غریب، ۱۴۲۱ ه.ق.
۳۸. شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی، اخبار الیوم، ادارة الکتب و المکتبات، ۱۹۹۱ م.
۳۹. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ه.ق.
۴۰. صاوی، احمد بن محمد، حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۷ ه.ق.
۴۱. صدیق حسن خان، محمدصدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۰ ه.ق.
۴۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ه.ق.
۴۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم التفسیر الطبرانی، دار الکتاب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
۴۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ه.ش.
۴۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن تفسیر الطبری، ۳۰ جلد، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ه.ق.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۴۷. طوفی، سلیمان بن عبدالقوی، الإشارات الإلهیة الی المباحث الاصولیة، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ ه.ق.
۴۸. عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی إعراب القرآن، بیت الأفکار الدولیة، ۱۴۱۹ ه.ق.
۴۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، مکتبة العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ ه.ق.
۵۰. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ه.ق.
۵۱. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ه.ق.
۵۲. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، دار الملاک، ۱۴۱۹ ه.ق.
۵۳. قاسمی، جمال‌الدین، تفسیر القاسمی المسمی بمحاسن التأویل، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۸ ه.ق.
۵۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ه.ش.
۵۵. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطائف الإشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۲۰۰۰ م.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۵۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دار الکتاب، ۱۳۶۳ ه.ش.
۵۷. کاشانی، فتح‌الله، زبدة التفاسیر، مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۲۳ ه.ق.
۵۸. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات أهل السنة تفسیر الماتریدی، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ ه.ق.
۵۹. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ه.ق.
۶۰. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، دار الفکر، بی‌تا
۶۱. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ ه.ق.
۶۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ه.ق.
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسة الإمام علی بن أبی طالب(ع)، ۱۴۲۱ه.ق.
۶۴. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، امیر کبیر، ۱۳۷۱ه.ش.
۶۵. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۱ ه.ق.
۶۶. نظام الاعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۶ ه.ق.
۶۷. یزیدی، عبدالله بن یحیی، غریب القرآن و تفسیره، عالم الکتب، ۱۴۰۵ ه.ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]